

جغرافیای گردشگری میراث فرهنگی و طبیعی، مبنای توسعه پایدار

بهزاد بلمکی^۱ _ بهنام بلمکی^۲

۱ کارشناس ارشد باستان شناسی

۲ عضو هیات علمی گروه محیط زیست، موسسه آموزش عالی آبادانی و توسعه روستاها

چکیده

توریسم رخدادی است که از دیرباز در جوامع انسانی وجود داشته و به تدریج در طی مراحل تاریخی مختلف، به موضع فنی، اقتصادی و اجتماعی کنونی خود رسیده است. طی دهه‌های گذشته نه تنها صنعت گردشگری رشد سریعی را تجربه نموده، بلکه مناطق گردشگری جهان نیز تغییرات بسیاری را متحمل شده و به طور قابل ملاحظه‌ای متنوع گشته‌اند. در این میان گردشگری فرهنگی که در جستجوی میراث فرهنگی و طبیعی ملتها به یک یک گزینه پایدار در بخش صنعت گردشگری تبدیل شده، دارای چارچوب مستقل و روشهای عملی خاص خود است. شاید بتوان این نوع گردشگری را به عنوان الگویی که به کشف و تطابق تمام فعالیت‌های فرهنگی منتهی می شود تعریف کرد. در حال حاضر یونسکو از این مسأله نگران است که گردشگران از میراث فرهنگی و طبیعی کشورهای میزبان بهره برداری می کنند و این موضوع طبیعتاً بر زندگی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه میزبان اثر می گذارد. این سازمان تصریح کرده است که باید یک بعد فرهنگی به فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی افزوده شود. توریسم فرهنگی با اهداف ماهوی آن یعنی حفاظت از میراث فرهنگی، التزام به توسعه جوامع محلی و احترام به ویژگیهای فرهنگی جوامع میزبان از جمله گزینه‌های برنامه‌ریزی است که دارای بیشترین سازگاری با مفهوم توسعه پایدار است و حتی می توان گفت که بیشترین سازگاری را با نظامهای سیاسی دارا است.

این مقاله سعی در شناخت راهکارهای صنعت توریسم در ایجاد توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه را دارد و بر آن است تا با ارائه راهکارهایی به بررسی توانهای فرهنگی و طبیعی بالقوه موجود در این کشورها بخصوص کشور ایران بپردازد.

کلید واژه‌ها: توریسم - میراث فرهنگی، طبیعی - جغرافیا - توسعه پایدار

مقدمه

در پایان جنگ جهانی دوم و با تغییر نظام تک قطبی جهان، به نظام چند منظومه‌ای، جنگ نظامی و رویارویی مستقیم نیز در قرن بیستم جای خود را به جنگ سرد و منازعات فرهنگی داد. در این راستا ارتباط میان مردم و فرهنگ‌ها تأثیری شگرف را در پی دارد، از این رو است که کارشناسان ژئواستاتیک بر این باورند که قرن آینده قرن قومیتها و ملیتها و تقسیم‌بندی جهان بر اساس فرهنگ و مذهب خواهد بود. در چنین شرایطی نیاز به ارتباط بین اجزای مردم بیشتر می‌شود و در این میان است که صنعت گردشگری به عنوان بهترین عامل گسترش ارتباط میان

مردم نمود پیدا میکند. امروزه جهانگردی به یکی از فعالیتهای مهم اقتصادی و فرهنگی دنیا تبدیل شده است و در این میان کشورهایی مانند ایران از نظر جاذبه‌های گردشگری به واقع در ردیف بهترین‌ها قرار دارد. رواج گردشگری بر اساس تسهیل رفت‌وآمد بین کشورها هدف والایی است و توجه به ویژگی‌های محیطی و جغرافیایی جوامع می‌تواند انواع جدیدی از گردشگری را بنیان نهد که هر چند اکنون در قالب‌های سنتی مورد توجه است، اما به صورت روشمند و مدرن میتواند مورد توجه کارشناسان قرار گیرد. از دیگر جنبه‌های مثبت جهانگردی، تأکید بر تبادل فرهنگها و همزیستی مسالمت‌آمیز بین ملت‌هاست. از این منظر، توریسم ابزاری برای ارائه ارزشهای فرهنگی، مذهبی و انسانی به جامعه بشریت است. در واقع توریسم بستر مناسبی را برای ارزشهای انسانی فراهم میسازد و در صورتی که کشورهای دارای هویت مستقل و فرهنگی، نظیر ایران در این زمینه آگاهانه قدم بردارند، می‌توانند از طریق توریسم بخشی از پیامدهای فرهنگی خود را به ملت‌های جهان که جویندگان صلح و مراودات فرهنگی هستند انتقال دهند. در این بین از آنجا که گردشگری نوین رویکردهای متناسب با فرهنگ و حساسیت‌های اجتماعی و اخلاقی خود رامی‌طلبد، نوع جدیدی از گردشگری یعنی گردشگری فرهنگی بر پایه توانمندی‌های جغرافیایی و فرهنگی می‌تواند نویدبخش صلح و امنیت جهانی در پرتو توسعه پایدار باشد.

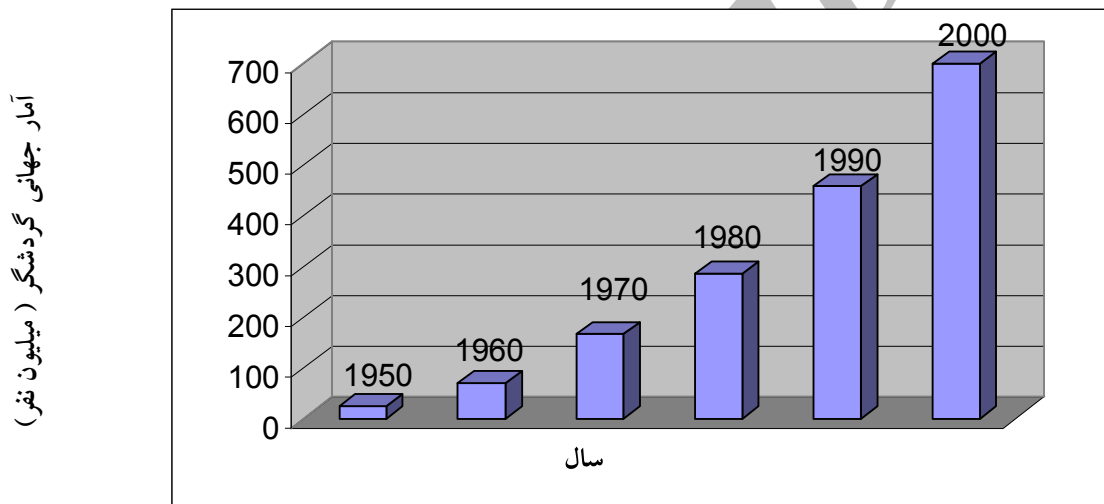
پیشینه صنعت توریسم

توریسم پدیده‌ای است کهن که از دیرباز در جوامع انسانی وجود داشته است و به تدریج در طی مراحل تاریخی مختلف، به موضع فنی، اقتصادی و اجتماعی کنونی خود رسیده است. گردشگری بر بنیاد عامل اساسی سفر و جابجایی قرار دارد. در نتیجه دگرگونی‌های آن تابع تغییرات مختلفی از قبیل دگرگونی‌های ناشی از انگیزه سفر و وسیله حمل و نقل است. سفر در سرشت انسان است، آدمی چنان آفریده شده و چنان هستی گرفته است که باید به سفر برود. انسان از دیرباز برای رهایی از تنهایی و سختی و نیز وابستگی‌های محلی و عادات و آداب و رسوم یکنواخت و مکرر زندگی خود دست به سفر می‌زد است، میتوان گفت در میان انگیزه‌های مختلف سفر، نیاز روانی بیش از همه برانگیزاننده امواج توده‌های انسانی در امر مسافرت و جابجایی است. دین مبین اسلام نیز هم در قرآن و هم در سنت به کرات به بعد تبادل فرهنگی و تعامل صلح‌آمیز ناشی از سفر اشاره فرموده است. در بیش از بیست آیه شریفه قرآن مجید، سیرو سفر مورد سفارش قرار گرفته و به صیغه امر آمده است^{۷۸}. نماز مسافر نیز مشمول تخفیف قرار گرفته و شکسته است، همچنین از امر واجب روزه نیز معاف است.

توریستها معمولاً به لحاظ شرایط محیط زندگیشان، وضعیت اقتصادی، اجتماعی حاکم بر کشورشان و میزان آگاهی آنها نسبت به آنچه که میخواهند ببینند و بیاموزند و دریابند، توقعاتی دارند که در رابطه با این نیازها تنوع پدیده‌ها و جاذبه‌های توریستی در زمینه‌های مختلف پدیدار میشود. این گونه خواسته‌ها صرفاً در جهت امور تفریحی و خوشگذرانی نبوده، بلکه نیازهای فرهنگی و معنوی گردشگران را نیز تأمین میکنند. صنعت توریسم ارزشهای گوناگونی را ارائه میدهد که با شناخت آنها به اهمیت آن پی برده میشود. توریسم فرهنگ و تمدن بشریت را معرفی میکند. به روابط انسانی، اجتماعی و فرهنگی کشورها تحکیم می‌بخشد و از عداوت و کینه‌ها می‌پرهیزد و

^{۷۸} «ای رسول بگو به مردم که در زمین سیر و سفر کنید و ببینید که خدا چگونه خلق را ایجاد کرده، ...» سوره مبارکه عنکبوت، آیه ۲۰

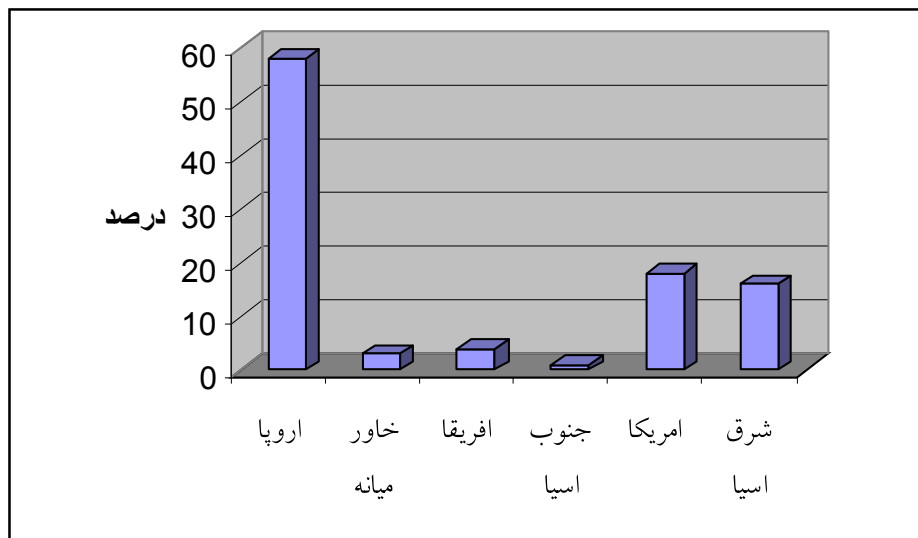
به صلح جهانی می‌اندیشد. توانهای قابل دسترس آن اعم از طبیعی، انسانی، تاریخی، درمانی، خدماتی و صنعتی به انسانها سلامت جسمی، روحی و آرامش میدهد و به حیات انسانی تعادل میبخشد و با افزایش روند توسعه اقتصادی و امر اشتغال در بخشهای مختلف، توأمأ شرایطی را به وجود می‌آورد که در کنار سایر فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی، از جمله بخش کشاورزی، صنعت و خدمات، امکان رسیدن به رشد ارگانیک برای کشورها و جوامع دست‌اندرکار فراهم آید. بررسی‌های انجام گرفته در سال ۲۰۰۰ نشان میدهد که صنعت گردشگری با ایجاد درآمدی معادل ۴۷۶ میلیارد دلار، ۱۲ درصد اقتصاد جهانی را شامل می‌شده است. در این سال صنعت گردشگری دارای نرخ رشد ۷/۴ درصدی بوده و تعداد گردشگران به ۶۹۹ میلیون نفر بالغ گردیده است. بر طبق پیش‌بینی انجام گرفته توسط سازمان جهانی گردشگری، در سال ۲۰۲۰ تعداد گردشگران به ۱/۵۶ میلیارد نفر خواهد رسید.



نمودار شماره ۱: رشد جهانی گردشگری (منبع سازمان جهانی گردشگری)

طی دهه‌های گذشته نه تنها صنعت گردشگری رشد سریعی را تجربه نموده، بلکه مناطق گردشگری جهان نیز تغییرات بسیاری را متحمل شده و به طور قابل ملاحظه‌ای متنوع گشته‌اند. طی دهه ۱۹۵۰، ۱۵ کشور اروپای غربی و امریکای شمالی، حدود ۹۷ درصد گردشگران جهان را به خود اختصاص داده بودند، اما در سال ۱۹۹۲، پانزده کشور فوق، تنها در جذب ۶۲ درصد گردشگران موفق بوده‌اند. افزون بر این در ترکیب ۱۵ کشور نخست جذب کننده گردشگر نیز تغییراتی به وجود آمده و در این راستا کشور چین موفق به کسب رتبه پنجم در جذب گردشگر گشته و همچنین در این فهرست برخی از کشورها و از جمله کشورهای اروپای شرقی نیز وارد شده‌اند. متأسفانه سهم کشورهای اسلامی در این میان بسیار ناچیز و قابل اغماض است، که از این بابت هم در درون خود و هم در عرصه‌های بین‌المللی زبان‌های فراوان مادی و فرهنگی را متحمل شده است.

آمارها نشان میدهد که در سال ۱۹۹۹ بیش از ۵۱ میلیون جهانگرد از جاذبه‌های مختلف گردشگری جهان اسلام دیدن کرده‌اند و بالغ بر ۲۷ میلیارد دلار درآمد ارضی در پی داشته‌اند.



نمودار شماره ۲: توزیع سهم بازار گردشگری در سال ۲۰۰۰ (منبع سازمان جهانی گردشگری)

دانش جغرافیا نیز توریسم را در چهارچوب کلی جغرافیای انسانی، اجتماعی مورد بررسی قرار میدهد و در این رابطه محیطهای طبیعی و انسانی و جاذبه‌های آن از جمله عواملی محسوب می‌شوند که مورد ارزیابی قرار گرفته و هر یک به طور نسبی نقش خود را در توسعه و رونق این صنعت ایفاء می‌نمایند. هر یک از توانها و جاذبه‌های زیست‌محیطی که با الگوهای تفرجی انسان در رابطه هستند به توریسم اشکال متفاوتی می‌بخشند و موجب تنوع فعالیت‌های فراغتی و چشم‌اندازهای گوناگون توریستی می‌گردند. شرایط اقتصادی و بینش فرهنگی اجتماعی مردم نیز با توجه به تسهیلات، امکانات و تأسیسات جهانگردی موجود، زمینه‌های لازم را برای گذراندن اوقات فراغت آنها به وجود می‌آورد، به طوری که هر یک از گروه‌های انسانی در جوامع مختلف شیوه‌های متفاوتی از گذراندن اوقات فراغت را چه به صورت انفرادی و گروهی و یا در شکل سازمان یافته برمیگزینند.

امروزه انجام فعالیت‌های توریستی که مشاغل گوناگونی را هم به دنبال دارد، در هر کشوری به عنوان بخشی از فعالیت‌های اقتصادی قلمداد شده و در کنار بخش صنعت و کشاورزی موجب رونق و پیشرفت اجتماعی، اقتصادی آنان میگردد. وجود امکانات خدماتی، توریستی نه تنها برای هر کشوری زمان فراغت گروه‌های سنی مختلف را به ویژه در فصل تعطیلات پر میکند، بلکه با ایجاد نشاط و سلامت جسمی و روحی منجر به بروز خلاقیتها و شکوفایی استعدادها و تجدید قوای فکری مردم به ویژه جوامع شهرنشین می‌گردد. گردشگری امروزه با پدیدآوردن تفاهم متقابل میان ملت‌ها به پیشبرد و استواری صلح جهانی نیز کمک‌های شایسته‌ای میکند. ارزش سیاسی توریسم به صورت اصلی مسلم درآمده و اعتباری جهانی به خود گرفته است، جهانگردی و سیاست چنان با هم آمیخته‌اند که باید در صحنه سیاست جهانی هم آن را به حساب آورده، اثرات ناشی از این دو پدیده نیز اقتضا میکند که به این صنعت توجهی بیشتر و دقیقتر شود و باید نظم و انتظامی به آن داده شود که بتواند به گونه ابزاری مؤثر، تفاهم

متقابل ملتها را فراهم نماید و از این راه به استواری صلح جهانی کمک کند. در صحنه روابط بین‌المللی، جهانگردی قادر به ابتکار عمل نیست، ابتکار عمل در این مورد در دست نیروهای سیاسی است، ولی اگر نیروهای سیاسی بخواهند در طریق صلح و دوستی گام بردارند، گردشگری در این رابطه کمک مؤثری خواهد نمود. شناخت این عوامل و به کار بستن هر کدام از آنها در جای مناسب خود و انجام و به کار بستن آنها بر عهده رهبران سیاسی است و این رهبران سیاسی هستند که میتوانند جهانگردی را به عنوان ابزاری برای پدیدآوردن اعتماد و اطمینان و همدلی و تفاهم به کار گیرند.

همچنین در مسأله توسعه توریسم، به فرهنگ توجه خاصی میشود. آثار باستانی و یا میراث فرهنگی هر کشوری معرف فرهنگ خاص همان کشور و دارای ارزشهای درخور توجه همان سرزمین و ویژگیهای مردم همان مرز و بوم است. این آثار دارای ارزشهای معنوی بسیار زیاد برای آن قوم به طور اخص و جاذبه‌هایی برای دیگران به طور اعم است که در نتیجه باعث جلب و جذب دیگران جهت بازدید گردیده و شناخت آنها در پیشرفت اقوام و اجتماعات مختلف اثر بسزایی داشته و در عین حال وسیله‌ای بسیار مؤثر برای جلب توجه گردشگرانی است که علاقمندند این آثار و فرهنگ قومی را از نزدیک مشاهده نمایند. تنها از راه آشنا کردن فرهنگها با یکدیگر است که دشمنیها به دوستی تبدیل میشود و به حق که این هنر بزرگ در توان صنعت گردشگری نهفته است. در این گزینه انسانها نمایندگان فرهنگهای گوناگونند و تماس و ارتباط این نمایندگان، در واقع ارتباط بین فرهنگهاست و از این ارتباط رود رو است که غنای فرهنگی و به دنبال آن توسعه پایدار پدید می‌آید. البته باید توجه داشت که اگر چه رونق و توسعه فعالیت‌های توریستی و انبوه مسافرانی که در نقاط مختلف جهان برای بازدید از جاذبه‌های توریستی با ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی آن جابجا می‌شوند، اثرات مثبت و ارزشمندی را داراست، اما باید در نظر داشت که ورود گردشگران کشورهای توسعه یافته در کشورهای سنتی و مواجهه با ارزشهای این کشورها، همراه با مخاطراتی از قبیل، خدشه دار شدن ارزشهای رایج، و ایجاد دوگانگی‌های ارزشی است که باید در کنار مسایل اقتصادی به آن توجه نمود.

میراث فرهنگی - طبیعی و توریسم فرهنگی

بطور کلی گردشگری فرهنگی⁷⁹ بدلیل داشتن ماهیت فرهنگی و گردشگری فعالیتی غیر مخرب و سودآور فرض شده (Wall, 1997) و در دهه های اخیر بخصوص در کشورهای در حال توسعه مورد استقبال قرار گرفته است. بر طبق آمار سازمان جهانی توریسم (WTO)، گردشگری فرهنگی و آموزشی یا به اصطلاح توریسم فرهنگی، ۷٪ کل درآمد حاصل از سفرهای برون مرزی را تشکیل داده و نرخ رشد سالانه این فعالیت بین ۱۰ تا ۳۰٪ است، در حالی که نرخ رشد سالانه توریسم بطور کلی حدود ۴٪ در سال است. بنابراین با اینکه گردشگری فرهنگی در حال حاضر بخشی از کل توریسم بین‌المللی^{8۰} را به خود اختصاص داده است، این بخش از صنعت توریسم از نرخ رشد بالایی برخوردار است. تعاریف اولیه توریسم فرهنگی عموماً به برجسته نمودن انگیزه درک و استفاده از ویژگیهای بسترهای فرهنگی و طبیعی استوار است. در دیدگاهی دقیق تر گردشگری فرهنگی به درستی به عنوان جزیی از

⁷⁹ Cultural tourism

^{8۰} International Tourism

گردشگری تخصصی یا هدفمند (Niche) در زمینه اکوتوریسم⁸¹ توصیف شده است. جایی که میراث فرهنگی به خودی خود به عنوان یک شاخص مستقل در نظر گرفته می شود. در این مورد اصطلاح (Eco) به نشانه وجود تناسب، داشتن پیش فرض درباره احترام گذاشتن به فرهنگهای مختلف، استفاده منطقی از منابع طبیعی، مشارکت جوامع میزبان و تقسیم عادلانه پاداش ها است. برای مثال لارمن⁸² و درست⁸³، و طبق تعریفی از اکوتوریسم، آن را نوعی از گردشگری طبیعت محور دانسته اند که طی آن گردشگران بخاطر یک یا شماری از ویژگی های طبیعی و جغرافیایی و اثرات آن در نموده های فرهنگی به یک مکان جذب می گردند و انگیزه های این مسافرت می تواند آموزشی، تفریحی، و کسب هیجان باشد. (Fennell, D.A. 1999) با الهام از تعریف فوق گودوین (Goodwin H. 1995)، گردشگری مبتنی بر طبیعت و توریسم فرهنگی را به صورت زیر مقایسه نموده است:

به اعتقاد او گردشگری مبتنی بر طبیعت همه انواع گردشگری متمرکز و گردشهایی را که در آنها انگیزه اصلی، بهره برداری از طبیعت وحشی و دست نخورده همراه با گونه ها و زیستگاههای جانوری، سیماهای طبیعی و رودخانه های جذاب و تماشایی می باشد را شامل می شود. طبق تعریف والارس و پیرس (Wallace & Price 1996) گردشگری طبیعی و اکوتوریست عبارت است از، سفر به مناطق طبیعی دست نخورده به منظور مطالعه و کسب لذت. اکوتوریست گردشگری است که خود را نسبت به تمامیت گونه های گیاهی و جانوری، سرزمین و اکوسیستم های یک ناحیه به موازات جوامع محلی با تمامی نیازها و ویژگیهای فرهنگی شان مسئول می بیند. او مسافری است که عرصه های طبیعی را از دیدگاه جهانی، خانه همه و از منظر محلی فقط خانه ساکنین آن میداند.

سازمان جهانی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی وابسته به سازمان ملل (IUCN)⁸⁴ نیز اکوتوریسم را مسافرت مسئولانه به مناطق طبیعی تخریب نیافته، به منظور درک و کسب لذت از جاذبه عرصه های طبیعی و همچنین شناخت ویژگیهای فرهنگی جوامع محلی تعریف کرده است که مشخصات این نوع گردشگری عبارتند از، ارتقای حفاظت محیط زیست و ایجاد منافع اقتصادی برای جوامع محلی.

در برخی زمینه ها، گردشگری فرهنگی فارغ از سلطه اکوتوریسم، راه خود را می پیماید. در حال حاضر گردشگری فرهنگی یک گزینه پایدار در بخش صنعت گردشگری به شمار می آید و دارای چارچوب مستقل و روشهای عملی خاص خود است. شاید بتوان این این نوع گردشگری را به عنوان الگویی که به کشف و تطابق تمام فعالیت های فرهنگی منتهی می شود تعریف کرد. این نوع گردشگری معمولاً به شکل سفرهای مطالعاتی، سفرهای فرهنگی یا هنری، حضور در جشنواره ها و همایشها، بازدید از مکانهای دیدنی، موزه ها، بناهای تاریخی و هرگونه تجسم ملموس یا ناملموس فرهنگ جهانی است.

فرهنگ پایه و اساس تمدن هر کشوری است که نسلهای انسانی در زمان حیات خود از آن بهره می جویند و با اتکاء به آن زندگی و فعالیتهای روزمره خود را در کنار یکدیگر شکل می دهند. مجموعه عواملی که به طور نسبی با توجه به دومتغیر زمان و مکان روش بهزیستی و همزیستی را به طور مسالمت آمیز به دور از برخوردها و تبعیضها به

⁸¹ Eco-tourism

⁸² Laarman

⁸³ Durst

⁸⁴ International Union for Conservation of Nature and natural resources

وجود می آورد مفهوم فرهنگ را توجیه می کند. مطالعه در اشکال فرهنگها که در طول زمان به تکامل می رسند مورد توجه و حائز اهمیت است. از این رو در فرهنگ، مفهوم زمان و تطور با هم پیوند دارند و از آنچه که در این رابطه با نسلهای کنونی و در قید حیات می رسد تحت عنوان «میراث فرهنگی»^{۸۵} نامیده می شود.

با همه این تعریفها متوجه می شویم که مرز جداسازی اکوتوریسم و توریسم فرهنگی، بسیار اندک است و در واقع توریسم فرهنگی و اکوتوریسم دارای یک همپوشانی تطوریافته است که تنها در بخش از رویکردهای عملی میتوان سیستمهای جداگانه ای را برای بهره وری از هر دو بخش در نظر گرفت. گزینه ای که این امکان را به ما می دهد که میراث فرهنگی خود را به عنوان یک جاذبه گردشگری مصون نگه داریم بکارگیری یک روش ترکیبی و در عین حال ایجاد منابع برای توسعه پایدار جوامع است.

توسعه گردشگری و رویکردهای جغرافیایی در میراث فرهنگی

به طور کلی باید گفت در مفهوم محیط جغرافیایی، قبل از هر چیز تأکید بر موجودیت و حضور جامعه است و نمیتوان ویژگیهای جامعه را از شرایط طبیعی یا مکانی جدا کرد. هر چشم انداز جغرافیایی، هماهنگی و سازگاری انسان را با شرایط مکانی ظاهر می سازد و هیچ محیط جغرافیایی بدون نمایش فعالیتهای انسان تحقق نمیابد، از این جهت، روی فرهنگ انسانی و بستر مکانی بیش از هر چیز تأکید میشود که با گذشت زمان یعنی در طول تاریخ شکل گرفته و تطور می یابد و به حیات خود ادامه می دهد. از آنجا که مناطق جغرافیایی هر کدام ویژگیهای خاص خود را دارد، جاذبههای طبیعی و فرهنگی نیز به تبعیت از آنها شکل میگیرند و به همین دلیل حوزههای فعالیت جهانگردی نیز متنوع بوده و از حوزهای به حوزه دیگر فرق می کند. مناطق کوهستانی و بیابانی، درهها و غارهای طبیعی، سواحل دریاها و دریاچهها، چشمههای آب معدنی و نواحی جنگلی و نظایر آنها، آثار باستانی و دهکده ها و بسترهای فرهنگی جاذبههایی هستند که در جلب توریست بسیار حائز اهمیت بوده و ساماندهی به آنها جهت توسعه توریسم امری ضروری به نظر میرسد.

یونسکو از این مسأله نگران است که گردشگران در حال حاضر از میراث فرهنگی و طبیعی کشورهای میزبان بهره برداری می کنند و این موضوع طبیعتاً بر زندگی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه میزبان اثر می گذارد. این سازمان تصریح کرده است که باید یک بعد فرهنگی به فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی افزوده شود. این کار تنها با هدایت جریان توده گردشگران و تبدیل آن به یک نیروی مثبت میسر است. گردشگری فرهنگی فلسفه اصلی یونسکو بشمار می آید و با ایجاد آن می توان شاخصهای جدا از هم مانند حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی، خود فرهنگ، توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع میزبان و بالاخره نیاز ضروری به یک مبحث دورن فرهنگی واقعی را باهم در یک جا جمع کرد. این دغدغه ها تبدیل به عناوین مورد بحث در همایش جهانی «گردشگری فرهنگی در آمریکای لاتین و دریای کارائیب» شدند که در نوامبر سال ۱۹۹۶ در شهر هاوانا در کوبا برگزار شد و کمک شایانی به ایجاد تمرکز در جهت دستیابی به یک ارتباط هماهنگ میان گردشگری و میراث فرهنگی نمود. (گومز دبلوایا ص ۲۳: ۱۳۸۳)

⁸⁵ Cultural Heritage

در واقع هر کدام از محیطهای طبیعی، جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زمینه‌ساز فعالیتهای گوناگونی هستند که جهانگردی و توریسم نیز از جمله آنها محسوب می‌شود. شدت و ضعف فعالیتهای جهانگردی به طور نسبی متأثر از حوزه‌های فعالیتی فوق‌الذکر و امکانات و توانمندیهای موجود در آنهاست. از این رو همان گونه که مکانهای زیست‌محیطی هر کدام دارای خصوصیات و ویژگیهای جغرافیایی و فرهنگی خاص خود هستند، حوزه‌های فعالیتی گردشگری نیز متنوع بوده و از حوزه‌ای به حوزه دیگری متفاوت است. به طور اجمال میتوان تبعات اقتصادی، اجتماعی گردشگری فرهنگی را در مناطق طبیعی و فرهنگی شامل موارد زیر طبقه بندی کرد:

- توریسم فرهنگی در سطح محلی ایجاد اشتغال میکند. این اشتغال مستقیماً هم مربوط به خود بخش گردشگری و هم مربوط به بخشهای متنوع حمایت و مدیریت منابع می‌شود.
- توریسم فرهنگی صنایع سودآور محلی را توسعه می‌بخشد و در سطح محلی از طریق احداث هتلها، رستورانها، سیستمهای حمل و نقل، صنایع دستی و ارمغانهای محلی و خدمات راهنما به منطقه رونق میدهد.
- توریسم فرهنگی سبب جذب ارز خارجی میشود و از این طریق نیز به اقتصاد محلی و منطقه کمک میکند.
- توریسم طبیعی به اقتصاد محلی تنوع بخشیده و به ویژه در مناطق روستای که شغل کشاورزی ممکن است کافی یا پراکنده باشد، باعث وسعت تنوع اشتغال شود.
- توریسم فرهنگی به اقتصاد محلی از طریق ایجاد تقاضا به تولیدات کشاورزی مساعدت کرده و سبب تزریق سرمایه می‌شود.
- توریسم فرهنگی سبب بهبود شبکه حمل و نقل، ارتباطات و عوامل زیربنایی شده و به همراه خود به مردم محلی سود می‌رساند.
- از آنجا که مناطق توسعه یافته برای توریسم فرهنگی شاخصهای بارزی برای هر کشور به شمار می‌روند، دولتهای محلی ممکن است مایل باشند منابع دیگری را برای توسعه در اراضی پیرامونی اختصاص دهند.
- توریسم فرهنگی سبب بهره‌برداری سودمند از اراضی می‌شود که برای کشاورزی به عنوان زمینهای حاشیهای به شمار می‌روند و بدین ترتیب باعث می‌شوند که گستره‌های بزرگی از اراضی با پوشش طبیعی باقی بمانند.
- توریسم فرهنگی سبب انتقال فرهنگها به یکدیگر شده و زمینه ارتباطات را در بعد جهانی فراهم کرده و سطح درک مردم را از فرهنگ یکدیگر ارتقاء میدهد.
- چنانچه توریسم فرهنگی خوب هدایت شود می‌تواند بعنوان مکانیسمی برای خودگردانی بافت ها و مناطق فرهنگی قلمداد شده و در نتیجه ابزاری برای حفاظت از میراث فرهنگی به شمار آید.
- توریسم فرهنگی امکانات تفرجگاهی مناسبی را فراهم میکند که میتواند مورد استفاده جوامع محلی و همین طور بازدیدکنندگان داخلی و خارجی قرار گیرد.

• توریسم فرهنگی به دلیل دستاوردهای ملموس خود، وسیله‌ای برای متقاعد کردن مسئولین دولتی و عموم مردم در خصوص اهمیت حفاظت از میراث فرهنگی است. این فواید بویژه زمانی خود را برجسته تر نشان میدهد که مناطق حفاظت شده اختصاص یافته به گردشگری از نظر سایر استفاده ها نظیر کشاورزی کمترین فایده‌مندی را دارا بوده یا هیچ گونه ارزشی نداشته باشند. این فواید هر چقدر دسترسی به سایر مناطق تفرجگاهی بیشتر کاهش یابد ارزش بیشتری پیدا خواهد کرد. چنانچه توریسم فرهنگی در برنامه‌های دولت بویژه در کشورهای جهان سوم اولویت بالایی را پیدا کند، در این صورت لازم است کلیه تلاشها برای مشارکت مؤثر مردم محلی در فعالیتهای گردشگری به کار گرفته شود. معمولاً مردم روستایی که در نزدیکی مناطق طبیعی و فرهنگی زندگی میکنند دارای درآمد کمی بوده و گزینه‌های اقتصادی پایداری ندارند. توریسم فرهنگی میتواند برای این دسته از مردم گزینه اقتصادی با ارزشی به شمار آید. امتیاز دیگری که توریسم فرهنگی برای آنها دارد این است که می‌تواند آنها را به عوامل اجرایی مؤثری در حفاظت از منابع طبیعی تبدیل نماید و چون رفاهشان وابسته به حفظ کیفیت طبیعی محیط زیست است از هیچ‌گونه تلاشی در حفاظت از آن دریغ نخواهند کرد. مردم محلی از دانش تجربی و عملی زیادی در مورد محیط طبیعی و فرهنگی منطقه خود برخوردارند که از اجداد خود به ارث برده اند و با مقداری آموزش می‌توانند به راهنمایان بسیار خوبی در مورد طبیعت و بسترهای فرهنگی پیرامون خود تبدیل شوند. ضمناً می‌توانند مستقیماً در فعالیتهای اقتصادی وابسته به توریسم نظیر اداره هتلها و رستورانها و سایر خدمات توریستی نیز مشارکت داشته باشند. در بسیاری از موارد سازمانهای جوامع محلی می‌توانند از طریق آموزشهای مناسب در زمینه اداره و مدیریت، همانند صاحبان امتیاز خدمات توریستی عمل کنند.

نگاهی به شرایط جغرافیایی و استعدادهای بالقوه توریسم فرهنگی در ایران

هر ناحیه یا محیط جغرافیایی همان طور که از آثار انسانی برخوردار است از اثرات محیط طبیعی نیز بهره‌مند می‌گردد. در مطالعات جغرافیایی، نقش اصلی و وظیفه مهم، کشف رابطه علت و معلول بین جوامع انسانی و اوضاع طبیعی است، بنابراین در سیمای هر منطقه عوامل مختلف در تنوع حیات و پیدایش اشکال گوناگون آن دخالت دارند. پیدایش و تنوع در حیات انسانی، گیاهی، جانوری نتیجه مستقیم عوامل طبیعی مانند آب و هوا، پستی و بلندی، نوع خاک، آبهای روان، سواحل و نظایر آن است که در تحقیق و بررسیهای جغرافیایی همه این عوامل یکجا و توأم در ایجاد و توسعه پدیده‌های حیات در روی زمین اثر می‌گذارند و یک نظم مشخصی را از جهت انسانی و اقتصادی منطبق با عوامل طبیعی به وجود می‌آورند. وقتی در مسایل جغرافیایی تحقیق و بررسی می‌گردد هماهنگی یا همبستگی، ناهماهنگی یا تضاد در پدیده‌های طبیعی و انسانی تنها در محیطهای جغرافیایی مورد توجه است. زیرا اگر عوارض و پدیده‌های طبیعی و انسانی به طور موزون و هماهنگ در زمین گسترش می‌یافت دیگر علم جغرافیا معنی و مفهومی نداشت، بنابراین ناهماهنگیها و تضاد عوامل گوناگون در سطح زمین مانند ریزش‌های جوی، دما، پراکندگی نامساوی اجتماعات انسانی، تنوع در کشاورزی، جاذبه‌های گوناگون طبیعی و تضاد در تولید، توزیع و مصرف از محلی به محل دیگر است که اساس و محل پایه علم جغرافیا را تشکیل می‌دهند. همواره دو قطب انسان و طبیعت باعث تغییرات و دگرگونی‌های دائمی محیطهای طبیعی و چهره‌های فرهنگی می‌گردند، فرسایش

آبهای روان، عمل باد، ریزشهای جوی، فرسایش یخچالی و آلودگی محیط زیست، به تدریج چهره زمین را تغییر داده و سیمای تازه‌ای به آن میبخشد. از طرف دیگر بعضی عوامل مخرب چون زلزله، آتشفشان، گردبادها به شدت در نواحی جغرافیایی عمل کرده و تغییراتی را در آن به وجود می‌آورد. انسان نیز با فعالیتهای مستمر خود مانند ایجاد و توسعه شهرها، احداث شبکه‌های ارتباطی، بریدن درختان و پاکتراشی جنگلها، گسترش زمینهای کشاورزی استفاده بی رویه از سواحل دریاها و چشم اندازهای طبیعی و صدها مورد دیگر در تغییرات و ناپایداری محیطهای جغرافیایی و تخریب محوطه های فرهنگی - باستانی نقش بارزی را ایفا مینماید که این تغییرات را میتوان در همه نقاط سطح زمین مشاهده نمود.

سرزمین ایران با بهره‌گیری از سوابق تاریخی فرهنگی و ویژگیهای محیطی و طبیعی خود، توان توریستی قابل توجهی را داراست. آثار تاریخی بازمانده از دوره‌های مختلف استقرار انسان در فلات ایران به موازات چشم‌اندازهای طبیعی متنوع ساحلی، کوهستانی، بیابانی و کویری در آمیزش و ترکیب هماهنگ با بناهای تاریخی و میراث فرهنگی و مذهبی، مجموعه‌ای از انگیزه‌های گوناگون را برای دیدار از ایران فراهم می‌سازد. در بخش از تعریف میراث فرهنگی در اساسنامه میراث فرهنگی کشور، مصوب ۱۳۶۷/۴/۲۸ آمده است: میراث فرهنگی شامل آثار باقیمانده از گذشتگان است که نشانگر حرکت انسان در طول تاریخ است و با شناسایی آن زمینه شناخت هویت و خط فرهنگی او میسر می‌گردد. بر این اساس باید پذیرفت که موضوع و مقوله ای در کشور نیست که با میراث فرهنگی در ارتباط نباشد. بنابراین باید به این سرزمین از منظر میراث فرهنگی نگاه کنیم و راه‌حلهایی به کار بریم که با فراز و فرودهای تاریخی و فرهنگی ما متناسب باشد. سرزمینی با وسعت ۲,۶۰۰,۰۰۰ کیلومتر مربع، که دارای آثار و شواهدی از قدیمی ترین دوران پیدایی بشر از پارینه سنگی قدیم تا تشکیل بزرگترین امپراتوریه‌ها است. بسیاری از کاوشهای باستان شناسی در این سرزمین هنوز در پی یافتن شواهد بیشتری از این تمدنهای بزرگ بطور مستمر ادامه دارد. این در حالی است که هنوز راهکاری برای شناخت مدارک یافته شده، تا به امروز در ایران، به جهانگردان مشتاق پیدا نشده است. طبق تخمین سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری بالغ بر یک میلیون بنای تاریخی و چیزی بیش از ۲۰۰ هزار تپه باستانی در کشور وجود دارد. با این وجود به سبب ارزشهای بسیار زیاد این آثار برخی از مهمترین مکانهای فرهنگی ما از سوی یونسکو میراث جهانی شناخته شده و از سوی این سازمان ثبت گردیده است. از این آثار می‌توان به مجموعه های تخت جمشید، میدان نقش جهان اصفهان، معبد چغازنبیل در شوش، تخت سلیمان و نقش برجسته داریوش هخامنشی در بیستون اشاره کرد.

افزون بر اینها، ایران امروز به عنوان یک محور سیاسی فعال در جهان اسلام، نظر بسیاری از جهانیان را به خود جلب کرده است. از این رو انگیزه‌های عمده دیدار از ایران را میتوان در انگیزه‌های سیاسی، اجتماعی، زیارتی، فرهنگی، تاریخی و طبیعی خلاصه کرد. به واقع باید گفت که ایران سرزمین تضادهاست. در حالی که ارتفاع بخش بزرگی از خاک کشور بیش از ۱۲۰۰ متر بالاتر از سطح دریاست، کرانه‌های دریای خزر حدود ۲۶ متر از سطح دریای آزاد پایین‌تر است. قله دماوند نیز در قلب ایران با ۵۶۷۸ متر ارتفاع از تمام کوههایی که در غرب سلسله کوههای هندوکش، واقع در عالم اوراسیا، قرار گرفته‌اند بلندتر است. اختلافات اقلیمی در ایران بسیار قابل توجه است. میانگین دمای هوا در دی‌ماه در سواحل دریای عمان ۲۰ درجه سانتیگراد است، در حالی که همزمان در شمال غربی

کشور به ۳۰ درجه زیر صفر میرسد. هنگامی که در جنگلهای سبز و شاداب جنوب غربی دریای خزر میزان بارندگی بیش از ۲۳۰۰ میلیمتر است، ممکن است در تپه‌های شنی دشت لوت چند سال پیاپی اصلاً باران نباریده باشد. چنین تنوع فراوان جغرافیایی و اقلیمی، بالطبع اکوسیستمهای گوناگونی را به وجود می‌آورد، به نحوی که جنگل انبوه راش در شمال کشور تباین بارزی با درختان حرا و داز در جنوب دارد.

در داخل فلات ایران رشته کوههایی وجود دارند که غالباً به موازات زاگرس قرار گرفته‌اند و به صورت زنجیره‌های جدا از هم هستند. در این بین فروبراهای وسیع دشت کویر، دشت لوت و حوضه هیرمند، به ویژگیهای فلات ایران می‌افزایند. ارتفاعات بزرگ یاد شده فلات مرکزی را حوضه آبرگیر عمده کشور کرده است تا آنجا که این فلات قریب ۶۰ درصد مساحت ایران را در برمیگیرد.

کشور ایران همچون پل چهارسوی عظیمی بین چهار منطقه عمده از این بخش گیتی است، که عبارتند از سرزمینهای پیرامون دریای سیاه، آسیای مرکزی، شبه قاره هند و عربستان. ایران در تقاطع انتشار جانوری و گیاهی این مناطق که با یکدیگر کاملاً فرق دارند، قرار گرفته و در فون و فلور گوناگون آنها سهیم شده است. از دید علم زیست جغرافیا^{۸۶}، ایران جز اقلیم حیاتی پاله آرکتیک^{۸۷} (اروپا، شمال آسیا و آفریقا) است، ولی چون در مجاورت عالم اریانتال^{۸۸} (آسیای جنوب هیمالیا) و نه چندان دورتر تحت تأثیر عالم اتیوپی^{۸۹} یا افروتروپیک^{۹۰} (آفریقای جنوب صحرا) قرار دارد، در پراکنش فون دو اقلیم حیاتی اخیر نیز سهیم بوده است. در بخش جنوبی پاله آرکتیک، ایران دارای متنوع ترین و پیچیده ترین نوع جغرافیا و اقلیم است و لذا در این مناطق از بیشترین غنا و تنوع زیستی نیز بهره می‌برد. همه این عوامل بر گنجینه میراث فرهنگی ایران و در مجموع بر جاذبه‌های طبیعی این کشور می‌افزاید.

بحث و نتیجه گیری

مطابق آمار سازمان جهانی گردشگری در سال ۱۹۹۷، با اینکه کشور ایران در مجموعه ده کشور نخست جهان از لحاظ جاذبه‌های گردشگری و جزء پنج کشور نخست جهان از لحاظ جاذبه‌های طبیعی است فقط ۰/۰۹ درصد از تعداد و ۰/۰۶ درصد از درآمدهای گردشگری دنیا را به خود اختصاص داده است. هم‌اکنون ۵ درصد از سطح کل کشور در قالب مناطق حفاظت شده، پارکهای ملی، اثر طبیعی ملی و پناهگاههای حیات وحش و عرصه قابل توجهی از کشور نیز تحت پوشش پارکهای جنگلی و مدیریت منابع طبیعی و درصد بالایی نیز تحت پوشش شهرموزه‌ها، دهکده‌های فرهنگی، و آثار باستانی قرار دارند هستند که با توجه به انگیزه‌های مهم مسافرتی، اینگونه مناطق می‌توانند در صورت استفاده خلاقانه و توأم با مدیریت و برنامه‌ریزی اثر بخش، نقش مهمی در جذب توریست از سراسرنقاط دنیا داشته باشند و منافع حاصل از آن می‌تواند تحول شگرفی در وضعیت زندگی جوامع محلی مرتبط با این مناطق که عموماً جوامع روستایی و کم بهره از برنامه‌های توسعه‌ای اند، داشته باشد. این مسأله می‌تواند

^{۸۶} Biogeography

^{۸۷} Palaearctic region

^{۸۸} Oriental region

^{۸۹} Ethiopian region

^{۹۰} Afro tropical region

راهکاری موثر و گامی مهم در جهت به جلو بردن اهداف اصل ۴۴ قانون اساسی و تقسیم سرمایه ها در بین کم درآمدترین اقشار جامعه باشد اما در حال حاضر عدم استفاده خلاقانه از توانهای اینگونه مناطق و یا استفاده‌های سنتی از آنها باعث شده است که عرصه‌های طبیعی و فرهنگی تحت فشار و تعرض شدید جوامع انسانی پیرامونی، بدلیل نیازهای انباشته شده قرار گیرند و این روند به گونه‌ایست که اینگونه مناطق بتدریج ویژگیهای منحصر بفرد خود را از دست می‌دهند و در طبقه‌بندی مدیریتی سیر نزولی را طی می‌کنند. برنامه‌ریزی در جهت توسعه و گسترش توریسم فرهنگی با توجه به ویژگی‌های عمده آن یعنی ملزم بودن به حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی و احترام به ویژگی‌های فرهنگی آن و همچنین انگیزه‌های مهم اکوتوریست‌ها در زمینه جلوه‌های طبیعی و حیات وحش و همچنین خصوصیات گردشگران که عموماً افرادی با فرهنگ و تحصیل کرده، دانشگاهی و با درآمد بالا هستند و در عین حال عدم نیاز به سرمایه گذار یه‌های کلان و بزرگ (خصوصاً در کشورهای در حال توسعه که اکثراً با مشکل کمبود سرمایه مواجه هستند ولی در عوض توانهای قابل توجهی دارند)، فرصتی مغتنم است و جا دارد که با توانهای طبیعی موجود به شکل سرمایه‌های ارزشمند برخورد شود و چگونگی استفاده مولد از آن در نظام برنامه‌ریزی آموخته شود.

در میان گزینه‌های مختلف نظام جهانی گردشگری، توریسم فرهنگی با اهداف ماهوی آن یعنی حفاظت از میراث فرهنگی، التزام به توسعه جوامع محلی و احترام به ویژگیهای فرهنگی جوامع میزبان از جمله گزینه‌های برنامه‌ریزی است که دارای بیشترین سازگاری با مفهوم توسعه پایدار است و حتی می‌توان گفت که بیشترین سازگاری را با نظامهای سیاسی دارا است. اگر برخی از گرایش‌های گردشگری جهانی دارای زیانهایی در زمینه تخریب میراث فرهنگی و تعارضات فرهنگی در جوامع میزبان هستند، توریسم فرهنگی بعثت تعهد ذاتی آن به حفاظت از عرصه‌های فرهنگی و طبیعی و تقویت فرهنگها مناسبترین گزینه گردشگری برای برنامه ریزان توسعه بویژه در کشورهای در حال توسعه است که دارای منابع قابل توجه فرهنگی و طبیعی برای جذب گردشگر از سراسر نقاط دنیا هستند. اگر مشکلات فرهنگی، طبق عقیده بسیاری از محققین داخلی، بزرگترین عامل بازدارنده صنعت گردشگری در جوامع امروزین مسلمان است، این نوع گردشگری بعثت ویژگی ذاتی آن یعنی احترام به فرهنگ و سنن اقوام مختلف، می‌تواند بیشترین تناسب را با خصوصیات فرهنگی جوامع میزبان داشته باشد و بالطبع کمترین تعارض را ایجاد نماید. در واقع معرفی شایسته توریسم فرهنگی از طرف محققین و آشنایی کاملتر تصمیم گیران و برنامه ریزان کشوری با آن می‌تواند فرصتهای توسعه‌ای متنوعی با توجه به توانهای بالقوه طبیعی و فرهنگی کشور، نصیب جامعه نماید. در خاتمه با جمع بندی مطالب و نیز با توجه به نقش توریسم فرهنگی به عنوان یک منبع تحصیل ارز خارجی و نتیجتاً کمک به تراز پرداختهای کشور و ایجاد اشتغال (مستقیم، غیرمستقیم، و یا مبتنی بر انگیزه) و همچنین ایجاد ارتباط سالم فرهنگی بین قومیت‌های مختلف، می‌توان اهداف زیر را به عنوان نتایج حاصل از سرمایه گذاری و آموزش و ترویج در این بخش خلاصه نمود:

- شناساندن فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی به جهان
- ایجاد زمینه‌های مناسب برای صدور انقلاب اسلامی از طریق توسعه صنعت جهانگردی و آشنایی مردم با مظاهر فرهنگ اسلامی و انتقال نکات مثبت و سازنده سایر فرهنگها به مردم کشور

- شناسایی نقاط دیدنی و طبیعی سراسر کشور و ترغیب مردم برای بازدید از آن دیدنیها به منظور گذران اوقات فراغت و آشنایی و دوستی با یکدیگر و تحکیم وحدت اقوام مختلف ایرانی
- افزایش منابع تولید ارز از طریق جذب گردشگر و سودآور کردن واحدهای تولیدی
- بهره برداری صحیح از سرمایه گذاریها، تجهیزات و تأسیسات احداث شده
- ایجاد زمینههای مناسب برای سفر ایرانیان به خارج از کشور
- استفاده از هنرهای سنتی و صنایع دستی داخلی جهت عرضه به گردشگران خارجی، به منظور جلوگیری از ورود مظاهر فرهنگ غیر ایرانی و کالاهای مصرفی و لوکس خارجی.

منابع

- پناهنده، م. جمالزاد فلاح، ف. ۱۳۸۰. توریسم فرهنگی و نقش آن در حفاظت محیط زیست و توسعه پایدار. ماهنامه دنیای اقتصاد، شماره ۲۱۱. صفحه ۱۱.
- پورلک، ل. ۱۳۷۹. نقش توریسم فرهنگی در حفاظت از تنوع زیستی. مجموعه مقالات دیرین شناسی و تنوع زیستی. انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست. ۳۵۰ص.
- رضوانی، ع. ۱۳۷۹. جغرافیا و صنعت توریسم. انتشارات دانشگاه پیام نور. ۲۲۵ص.
- رهنمایی، م. ۱۳۷۱. توانهای محیطی ایران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران ۲۱۱ص.
- علی اکبری، م. ۱۳۸۴. عزم ملی، حفظ و احیای میراث فرهنگی، ماهنامه بین المللی میراث فرهنگی و گردشگری، گشت و گذار، صفحه ۲۰
- فیروز، ا. ۱۳۷۸. حیات وحش ایران. انتشارات مرکز نشر دانشگاهی تهران. ۴۹۰ص.
- گومز د بلاویا، م. ۱۳۸۳. موزه: واسطه ای میان میراث فرهنگی و گردشگری، مجله موزه ها، شماره سی و نهم، اداره کل موزه ها، سازمان میراث فرهنگی، صفحه ۲۲
- مجنونیان، ه. ۱۳۷۷. راهنمای آماده سازی پارکهای ملی و مناطق حفاظت شده برای توریسم. انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست. ۱۰۵ص.

- Fennell, D.A. 1999. Ecotourism an Introduction. Rautledge. London.
- Fillon, L. 1992. The Ecotourism of Global Ecotourism. paper presented at the Fourth world Congress an National Park and Protected Areas, Venezuela.
- Goodwin, H. 1995. Tourism and the Environment. Biologist 42(3):129-133.
- Wallarce, G.N & Pierce, S.M. 1996. An Evaluation of Ecotourism in Amazon, Brazil. Annals of Tourism Research 23(4):843-870
- Wall, G. 1997. IS Ecotourism Sustainable? Environment management. Vol.21. No. 4. pps. 483-491
- Higgings, E. 1996. The global

Structure of the Nature tourism industry: Ecotourism, Tour operators, and global businesses. Journal of Travel research. Vol 35. Issue 2.

Abstract

Tourism is an ancient phenomenon that has remained in men's society and in the course of historical different periods, reaches to modern technical, economic, and social stage. Through the past decades, industry tourism not only has been fast growth but also international tourism areas change. Cultural tourism that is looking for the cultural and natural heritage of nations, it changed to main factor in tourism industry, and has an individual independent frame and functional procedure. Perhaps this kind of tourism can explain to reach to pattern that shows the cultural activities.

Nowadays, Unesco is worried about this problem that tourists miss use from cultural and natural heritage and this subject effects in social, cultural and economic life of host country. This organization has been stipulated that must add to social and economic activities, some cultural aspects. Cultural tourism and its inherent goals means protection from cultural heritage and developing the local society and respect to cultural specifics of hosting societies, include planning that has the most adjustment, with concept of sustainable development and also has the most adjustment with political system.

This paper tries to realize strategy of tourism industry about creation of sustainable development in L.D.C. and wants to show the strategy for study the potential and natural abilities occurred in Islamic Republic of Iran.

Keywords :

Tourism-Cultural and Natural Heritage- Sustainable Development